



مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها:

وظایف کمیونیسترها

وقا کتیکهای آنارشویستی سازمان

پیکار

دانشجویان هوادار "اتحاد مبارزان کمیونیست"

نیمه دوم فروردین ۶۰

مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها

وظایف کمونیستها و تاکتیک

آنا رشیستی سازمان پسکار

یکسال از پورش ضدانقلابی رژیم به دانشگاه‌ها و تعطیل آنها
 می‌گذرد. اکنون که رژیم جمهوری اسلامی، بیش از پیش با از دست
 دادن حیثیت و مشروعیت خود نزد توده‌ها، و شدت یافتن تضادهای
 درونی خویش، مذبوحانه سعی در طرح عوامفریبانه مساله "بازگشایی
 دانشگاه‌ها" دارد تا از تبدیل ناراضی‌توی توده‌ها از تعطیل دانشگاه
 ها و تمایلات مبهم آنها به بازگشایی دانشگاه‌ها، به یک مبارزه
 گسترده توده‌ای برای بازپس گرفتن دانشگاه‌های دموکراتیک جلوگیری
 - و در این راه از خدمات انواع نوکران مزدور و بی چهره. موجب
 خویش (حزب رنجبران، حزب توده، اکثریت) سود می‌برد. شیوه
 برخورد کمونیست‌ها به مساله بازگشایی اهمیت فراوان دارد. آیا
 کمونیست‌ها خواهند توانست با طرح شعارهای صحیح و اتخاذ تاکتیک
 های مناسب، توده‌ها را به مبارزه برای فتح یک سنگر دموکراتیک
 بکنانند و رژیم را به عقب‌نشینی در این عرصه وادارند؟ آنچه
 مانع از پاسخ قاطع مثبت به پرسش فوق می‌گردد، ادامه سلطه انحرافات
 بر بخش اعظم جنبش کمونیستی ماست که در مبارزه برای بازگشایی
 دانشگاه‌ها عمدتاً در شکل آنارشیسم در تاکتیک بروز یافته است.
 ما در این نوشته نخست به اختصار وظایف کمونیست‌ها در این
 عرصه را بیان می‌کنیم و در ادامه بحث، آکسیون (حرکت) ۲۳ دی
 کمیته‌های فرهنگی (متشکل از دانشجویان هوادار پیکار، رزمندگان،
 سازمان فدائی (اقلیت)، و راه کارگر) را بعنوان نمونه بسک
 آکسیون آنارشیستی بررسی می‌نمائیم و سپس به مبانی تاکتیکی این
 آکسیون نزد سازمان پیکار، بحثاً به پرچمدار این کمیته‌های فرهنگی
 و نیرویی که این آکسیون را "موفقیت بزرگی" برای خود می‌دانند
 می‌پردازیم.

و **کمیونیت‌ها** در قبال "بازگشایی":
کمیونیت‌ها در برخورد به مسأله بازگشایی مانند هر مخالف
اجتماعی دیگر، می‌باید مواضع خود را با حرکت از منافع مستقل
پرولتاریا تعیین نمایند. شک نیست که با تعطیل دانشگاه‌ها در بهار
سال گذشته، کمیونیت‌ها از یک عرصه بسیار مناسب، نه فقط از
نظر تدارکاتی و "پشت‌جبهه‌ای"، بلکه عمدتاً بعنوان یک سرسوزن
افشاکری از ماهیت ضدانقلابی رژیم، و ترویج و تهنیت‌سودهای
محروم گشتند. تعیین موضع کمیونیت‌ها نسبت به مسأله "بازگشایی"
پیش از هر چیز می‌باید بر شناخت صحیح از هدف رژیم از یورش به
دانشگاه‌ها و ماهیت این یورش استوار باشد. امروز حتی تصادم
سردمداران رسمی و غیررسمی رژیم نیز مجبور به اعتراف گشته‌اند
که حمله به دانشگاه‌ها و تعطیل آنها، نه بمنظور جلوگیری از ادامه
حیات علمی دانشگاه‌ها بوده، و نه هدف بوجی موسوم به "انقلاب
فرهنگی" را دنبال می‌کرده است. و هرکس که تحولات سیاسی را اندکی
دنبال کرده باشد می‌داند که هدف رژیم از این یورش، نابود
کردن شرایط دموکراتیک حاکم بر دانشگاه‌ها و محروم ساختن کسانی
از این شرایط بوده که پیش از آنکه متعلق به قشر یا منسب
"دانشجو" باشند، به جمع پیشاهنگان دلبر پرولتاریا، یعنی
کمیونیت‌ها تعلق دارند. درک این نکته حیاتی است که توطئه
تعطیل دانشگاه‌ها از سوی رژیم، بمنظور سرکوب "جنبش دانشجویی"
- جنبش موهومی که بفرض وجودش درکشاکی این انقلاب، تنه‌ها
دایره تنگ منافع یک "صنف" ناهمگون و ناپایدار، با مرزهای
محدودش طبقاتی جا می‌گرفت - نبوده بلکه مستقیماً سرکوب یک نهاد
دموکراتیک عمومی را هدف داشته است. یکی از دستاوردهای قیام
بهمن - که مسلماً کمیونیت‌ها، و شاید دانشجویان کمیونیت‌نقش
آسانی در کسب آن داشته‌اند - دقیقاً تبدیل دانشگاه از محیط
خاص "صنف دانشجوی" به نهاد دموکراتیکی در دسترس عموم مردم برای
فعالیت سیاسی بوده است. دانشگاه دیگر نهاد رسمی علم و دانش
و یا حتی عرصه فعالیت سیاسی دانشجویان، و بهر حال عرصه‌ای خاص

"فدائیت دانشجویی" نبوده ، بلکه تبدیل به مکان تشکیل کلاس های کارگری ، برگزاری میتینگ های بیکاران ، زنان ، و ... برپایی نمايشگاه های مبارزانه كردستان و قتل عام تركمن صحرا و ... گشته بود .

بموازات این تحول ، "جنبش دانشجویی" دوران دیکتاتوری شاه نیز ، با اجبار تجزیه گشته و بخشهای مختلف آن هر یک بر حسب تعلقات طبقاتی خویش ، گوشیدند تا دانشگاه را به عرصه ای در خدمت مبارزه طبقه خویش تبدیل نمایند . در این میان ، کمونیست ها با شایستگی تمام بیشترین بهره را از این امکانات دموکراتیک برده و آنرا بدل به اهرمی برای پیش راندن مبارزات کارگران و زحمتکشان ساختند . هراس رژیم ، تماما از همین مساله ناشی می شد و انگیزه او در تعطیل دانشگاه ها نیز چیزی جز سرکوبی این نهاد دموکراتیک و محروم ساختن کمونیست ها از آن نبود . حال ، با توجه به آنچه مختصرا راجع به اهداف و ماهیت پرورش رژیم بسره دانشگاه ها گفتیم ، رهوس مواضع و وظایف کمونیست ها را در قبال مساله "بازگشائی" نتیجه بگیریم :

۱ - شعار کمونیست ها در این عرصه ، می باید " بازگشایی دانشگاه های دموکراتیک" باشد . این شعار به روشنی مساله بازگشائی را از زاویه منافع پرولتاریا در انقلاب حاضر مطرح می سازد و منطبق بر تاکتیک عمومی کمونیست ها ، یعنی دفاع از دستاوردهای قیام بهمن ، و مبارزه برای کسب دموکراسی می باشد . شعار "بازگشایی دانشگاه های دموکراتیک" ، از نظر عینی یگانگه خواست توده های کارگر و زحمتکش در مورد دانشگاه هاست که با طرح صریح مساله دموکراسی ، در تقابل با شعارهای عوامفریبانه ای که رژیم و خصوصا جناح لیبرال آن طرح می سازند قرار گرفته ، آشنایی ناپذیری خواست توده ها و اهداف رژیم را آشکار می سازد ، و دقیقا بدلیل صراحت در مطالبه دموکراسی ، مانع مخدوش شدن موضع کمونیست ها و موضع ضدانقلابی اپوزیسیون بورژوا - امپریالیستی حکومت

می‌گردد. شعار "بازگشایی دانشگاه‌های دموکراتیک"، بدرستی هدف و ماهیت پرورش رژیم را بعنوان عملی سیاسی و در جهت سرکوب دموکراسی در خود ملحوظ دارد. هر شعار دیگری که مقاله بازگشایی را بعنوان یک مقاله سیاسی برجسته کند، با در دام انقلابی-فرهنگی رژیم افتاد و سعی فراخواندن بوده‌ها به مبارزه بسزای کمب دموکراسی دست بالایی در "انگاری" از عدم قابلیت رژیم در تغییر "نظام آموزش" و احیای "انقلاب فرهنگی" خواهد نمود و بی‌سایم مجبور به شرکت انداختن برای محاسبه زیان ناشی از عده تربیت‌دکتر و مهندسی برای جامعه (۱) خواهد گشت، و در صورت دو حالت به موضعی بورژوا-فرمینی خواهد انجامید.

۲ - نسباً نیرویی که قادر به تحقق "بازگشایی دانشگاه‌های دموکراتیک" است، مبارزه زنده‌های کارگران و رحمتکشان است. نسباً توده‌های کارگران، سکاران، رزاق، رحمتکشان کرد و... همه از لحاظ عینی در وجود دانشگاه‌های دموکراتیک دیده‌اند. تنها مبارزه متحدانه آنها می‌تواند به بازگشایی دانشگاه‌های دموکراتیک بیانجامد. بسیج نیرویی خارج از آنها و به سیاحت از سوی کارگران و رحمتکشان، قادر به مبارزه منظم بسزای "بازگشایی..." نخواهد بود. (ظاهر جنبش کمونیستی، پس از مدتی چریکی، در این امر صغی القول است.) وظیفه کمونیست‌ها، بسیج توده‌های کارگران و رحمتکشان حول شعار "بازگشایی..." و سازماندهی و رهبری این مبارزه است.

۳ - بسیج توده‌های کارگران و رحمتکشان حول شعار "بازگشایی..." مستلزم تهیه کادر توده‌ایست. بدیهی است توده‌های کارگران و رحمتکشان، به صرف مافع عینی خود در وجود دانشگاه‌های دموکراتیک دست به مبارزه برای "بازگشایی..." نمی‌زنند. وظیفه کمونیست‌هاست که با تهیه مداوم و گسترده توده‌ای، با مضمون روشن ساختن مکان و اهمیت دانشگاه‌های دموکراتیک در مبارزات آنها، و نشان دادن پیوند خواست "بازگشایی..." با خواست

ها و منافع آنها، توده‌های کارگران و زحمتکشان را به مبارزه برای "بازگشایی ... بکشانند". باید توجه داشت که "تهییج گذرده توده‌ای" را نباید بمعنای محدود - مثلا بخش وسیع اعلامیه و ... فهمید. باید ارتباط مرصه‌ها و مبارزات کارگران و زحمتکشان، (مبارزه کارگران برای اضافه دستمزد، مبارزه بیکاران برای بدست آوردن شغل، مبارزه خلق کرد برای حق تعیین سرنوشت و ...) را به مبارزه برای "بازگشایی ..." از یکسو، و بطور کلی ارتباط مبارزات آنها و مبارزه برای دموکراسی و آزادی دیگر، در بین توده‌ها تهییج نمود.

۲ - پروسه تهییج توده‌ها و بسیج آنها حول خواست "بازگشایی ... خود می‌توانند و می‌باید به معوری برای افشاکری از ماهیت رژیم، تبلیغ دموکراتیسم پیگیر پرولتری، و تشویق توده‌ها به تعرض برای کسب دموکراسی تبدیل گردد.

این‌ها رثوس کلی مواضع و وظایف کمونیست‌ها نسبت به مساله "بازگشایی دانشگاه‌ها" هستند. حال در این رابطه نظری به آکسیون ۲۴ دی و عملکرد "کمیته هماهنگی" بینکنیم:

کمیته هماهنگی چه در "راه پیمائی" ۲۲ دی، و چه در هفتاد تدارک پیش از آن، شعار "بازگشایی دانشگاه‌های دموکراتیک" را بروشنی حتی طرح نکرد. بیکار به عنوان عضو اصلی کمیته هماهنگی می‌نویسد: "مبارزه دانشجویان کمونیست و انقلابی، با تعطیل دانشگاه‌ها همچنان ادامه یافت و آنها در همان زمان که بمبلمان توده‌ها رفتند و هر کوچه و خیابان و هر میدان و چهارراه را به یک دانشگاه تبدیل نمودند، هیچگاه از مبارزه به خاطر بازگشایی دانشگاه، بعنوان یکی از وظایف اساسی خود باز نایستادند. تظاهرات و راهپیمائی امروز دانشجویان کمونیست و انقلابی در سالروز بازگشایی دانشگاه نیز، در ادامه همین مبارزه و کوششی است برای بازگشایی این سنگر آزادی که مدت‌هاست در احتیاج پاداران جهل و سرمایه‌داری قرار گرفته است". (۲۲/۱۵/۵۹، اعلامیه

شماره ۱۰۵ سازمان بهکار...) این نقل قول نمونه ایست از درک بهکار
- و کلیه اعضا کمیته هماهنگی - از سال تعطیل دانشگاه ها و
مبارزه برای بازگشایی . صدها نقل قول دیگر، از اعلامیه های
اعضای کمیته هماهنگی ، می توان آورد که همه نشان می دهند کمیته
هماهنگی اصولاً قادر به درک این واقعیت آشکار نیست که دانشگاه ها
به سبب جو دموکراتیک آنها که در دسترس عموم مردم و بسودمبارزات
کارگران و زحمتکشان بود تعطیل و سرکوب گشتند . کمیته هماهنگی،
درک نمی کند که این تمامی کارگران و زحمتکشان مبارز بودند که
از دانشگاه های دموکراتیک محروم گشتند، و می پندارند که تعطیل
دانشگاه تنها به معنای سرکوب "دانشجویان مبارز و انقلابی" پیوده
است . به این مقوله "دانشجویان مبارز و انقلابی" باز خواهیم
گشت - همانطور که ما در ابتدای مطلب با دآوری کردیم، درک علت
تعطیل دانشگاه از سوی رژیم ، بمثابه یک عمل سیاسی و ضددموکرا-
تیک ، پیش فرض طرح و اتخاذ موضع و تاکتیک کمونیستی است . نگاهی
به قطعنامه مراسم ۲۳ دی ، نشان می دهد که "کمیته هماهنگی" ،
همچنان در بند ادعای "انقلاب فرهنگی" رژیم است . قطعنامه اگرچه
در مقدمه می گوید که "انقلاب فرهنگی" بهانه ای برای تعطیل دانشگاه
بوده است ، اما از آنجا که از درک هدف ضددموکراتیک رژیم، عاجز
است ، می پندارد که رژیم انقلاب فرهنگی را "بهانه ای برای سرکوب
جنبش پرتوان دانشجویان" قرار داده بود . این درک غلط از هدف
رژیم ، سبب می شود که قطعنامه کمیته هماهنگی (متشکل از دانشجویان
بان هوادار بهکار، راه کارگر، رزمندگان و اقلیت) شروع به
افشاکری از انقلاب فرهنگی رژیم کند و در همان مقدمه قطعنامه به
"نتیجه ۶ ماهه کار" "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهد ساز زندگی" پرداخته
و در بند ۳ قطعنامه "انحلال جهاد دانشگاهی" این وسیله سرکوب
و تصفیه استادان و دانشجویان مترقی و انقلابی را بخواهد . ما
بیشتر هم اشاره کردیم که از موضع پرولتری ، تنها خواست مربوط به
دانشگاه ها ، "بازگشایی دانشگاه های دموکراتیک" است که بدرست
عمل سیاسی و ضددموکراتیک رژیم را در تقابل با خواست سیاسی و

دموکراتیک کارگران و زحمتکشانی قیام می‌دهد
 و از پس‌داشته‌ن به هر بعثت انحرافی
 - که رژیم با عوامل فاسدی می‌آفریند و خوشبایران به دایش می‌افتند
 - اجتناب می‌کند. مساله تغییر نظام آموزشی، نه برای رژیم
 مطرح بود و نه در این مقطع برای پرولتاریا مطرح است. مبارزه از
 هر دوسو بر سر دموکراسی است. پرولتاریا - و سایر زحمتکشانی -
 در این مرحله دموکراسی می‌خواهند و رسالت رژیم ضدانقلابی، سرکوب
 هر دستاورد دموکراتیک قیام بهمن، و سرکوب هر حرکت و نهضت
 دموکراتیک است. درک نکردن این بدیهیات از سوی کمیته هماهنگی،
 "مبارزه" و آکسیون او را برای "بازگشایی" بی‌ثمر - یا بهتر
 بگوئیم از نقطه نظر پرولتاریا بی‌ثمر - می‌سازد. اما انحراف
 کمیته هماهنگی به همینجا ختم نمی‌شود و در واقع با انحراف دیگری
 تکمیل می‌گردد: "بازگشایی دانشگاه‌ها، کار دانشجویان انقلابی است."
 قطعنامه کمیته هماهنگی می‌گوید "نه سرکوب و کشتار اول اردیبهشت،
 نه تصفیه و اخراج فدمردمی عناصر و نیروهای انقلابی از دانشگاه،
 و نه به تعطیل کثرتن این سنگروهای آزادی و آگاهی انقلابی،
 هیچکدام در به بند کشیدن جنبش انقلابی دانشجویان توفیقی نخواهد
 یافت." و بر این مبنا اعلام می‌دارد که "حکومت جمهوری اسلامی
 دانشگاه‌ها را تعطیل کرده است تا از گسترش پیوند جنبش دانشجوی
 بی‌ها جنبش‌توده‌ای جلوگیری کند" و ... در کلیه اعلامیه‌ها و
 قطعنامه کمیته هماهنگی، ترجیح بند "جنبش دانشجویان انقلابی"،
 "جنبش دانشجویی" و ... بچشم می‌خورد. اما راجع به این "جنبش"
 دانشجویی، تعلق طبقاتی آن، اهداف آن، دستاوردهای آن، و ...
 هیچ چیز بچشم نمی‌خورد، و در واقع نه فقط "کمیته هماهنگی"، بلکه
 هیچکس نخواهد توانست چیزی در این زمینه بگوید زیرا بهادگی
 چنین "جنبش دانشجویی" ای مدتهاست دیگر وجود ندارد. همانطور
 که ما در بالا به اختصار اشاره کردیم، در طول انقلاب و خصوصاً
 پس از قیام بهمن، "جنبش دانشجویی" دوران بیکتاتوری شاه،
 همزمان با پیروزی تفکات طبقاتی، به سرعت تجزیه گشت و بخش‌های

آن بر حسب تطبیق طبقاتی خود و از زاویه منافع طبقه خود به عرصه
مبارزه‌ای تماما و بکثرت سیاسی قدم گذاشتند. واقعیات عملکرد
دانشجویان در دانشگاه نشان می‌دهد که هیچ بخشی از آنها
حتی اگر ادعا می‌کرد و با خوشیاورانه هدف خود را این قسم
می‌داد - نه می‌توانست و نه ممکن بود که در چارچوب اهداف سیاسی
"منفی" اهدافی متعلق به تمامی "دانشجویان" نسبت به فعالیت و
مبارزه بزنند. پروژه تفکیک طبقات در انقلاب ما - سرپوش از هرجا
و با شاید پیش از هرجا، انعکاسی خود را در "دانشجویان" یافت
و از آن پس تنها می‌توان سخن از دانشجویان متعلق به طبقات
مختلف - دانشجویان وابسته به اربابان های سیاسی - سخن گفت
افزودن پسوند "انقلابی" نیز به "دانشجویان" یا "جنبش دانشجویی"
بکاری که بیکار و کمبته هماهنگی غالباً در آن اصرار دارند نه
تنها سواله را حل نمی‌کند، بلکه دقیقاً انعکاس این شلوه‌ری پوپولستی، انعکاس
مفاهیم پوپولستی، "خلق" و "تف خلق درنگرفته" جنبش دانشجویی و در عمل
مخدوش ساختن پوپولستی مرزهای طبقاتی در این عرصه است. نگارنده
دیگری به قطعنامه نشان خواهد داد که چگونه کمبته هماهنگی -
که آشکارا در صورت مثبت "انجمن دانشجویان مصلحان" می‌بوختند و
کلیه امتیازات "لازم و تا لازم راه‌آورد" آنها در عمل دانشجویان انقلابی
در آینده، به آنها داده است. کلیه خواسته‌ها و شعارهای خیسو
را (حتی آزادی زندانیان سیاسی) در رابطه با جنبش "دانشجویان"
(یا "جنبش دانشجویان انقلابی") مطرح کرده است. گذشته از
اینکه دیدیم املا طرح مسأله سرکوب دانشگاه‌ها به عنوان عملی "فلسفی"
دانشجویی از پایه عطالت! و گذشته از اینکه دیدیم اعتقاد به
یک "جنبش دانشجویی انقلابی" در این مقطع، غیر چارکسب‌تیمی
پوپولستی است! کمبته هماهنگی، با قرار دادن وظیفه مبارزه
دانشگاه‌ها "به عهده" جنبش دانشجویی انقلابی، انحرافات خیسو
را به نتیجه منطقی خویش می‌رساند، یعنی معروم کردن زحمتکشا
و درجه اول پرولتاریا از مبارزه سیاسی برای کسب یک دستاورد
دموکراتیک (دانشگاه‌های دموکراتیک) و این هیچ‌معنایی ندارد.

آنارشیسم [به معنای کلاسیک کلمه] یعنی قائل نبودن به مبارزه
سیاسی برای پرولتاریا (ندارد) مبارزه سیاسی و مبارزه دموکراتیک ،
مبارزه برای بازگشایی دانشگاه های دموکراتیک ، به اعتقاد اعضای
کمیته هماهنگی ، کار توده های کارگران و زحمتکشان نیست ، بلکه
وظیفه روشنفکران ، وظیفه جنبش دانشجویی است !

کمیته هماهنگی ، با بسیج و سازماندهی اعضا و افراد خود
بجای بسیج و سازماندهی توده ها ، در روز ۲۲ دی ، وجه دیگری از
اعتقاد آنارشیستی خود را برملا می کند . بیکار می نویسد حضور
"ده ها هزار توده آگاه" (بیکار ۹ ضمیمه) در روز ۲۲ دی نشانه
پیروزی کمیته و تکست ریژیم است آیا جای شکی باقی می ماند که
از نظر بیکار "توده های آگاه" به کارگران و زحمتکشانی اطمینان
نمیشود که به اهداف مبارزه خود آگاهند ، بلکه شامل روشنفکران ،
دانشجویان ، ... و در کل خرده بورژوازی تحصیل کرده می گردد ؟ !

اکنون درک این نکته که کمیته هماهنگی هیچگونه تهیه
توده ای - حتی به اندازه یک هفته عمر کوتاه خود - انتظام ندارد ،
شوار نیست ، کمیته هماهنگی که مکان دانشگاه های دموکراتیک را
در مبارزات کارگران و زحمتکشان ، خود درک نمی کند ، طبعاً نمی توانست
پیوند این خواست با سایر خواست های زحمتکشان را ، در نهیج خود
حتی بیان خشک و خالی کند ، وقتی درک سطحی و پوپولیستی کمیته
هماهنگی از "بازگشایی" حیطة تبلیغات او را - هرچه که هست - محدود
به شهرستانهایی که دانشگاه دارند و در درجه اول تهران - می کند ،
و در روز ۲۲ دی آکسیون ایوبه تهران ، به خیابان انقلاب ، و سپس
مقابل درب "اصلی" دانشگاه تهران محدود می گردد ، واقعاً چه توقمی
می توان داشت که کمیته هماهنگی پشتیبانی خورا های کارگری را جویا
شود؟ با این اوصاف چگونه می توان انتظار داشت کمیته هماهنگی از
کارگران اعتمادی فلان کارخانه بنواهد (آری ، فقط بخواهد) خواست
بازگشایی دانشگاه های دموکراتیک را به خواست های خود بیفراواند ؟
آیا کمیته هماهنگی می تواند است از زحمتکشان گرفتار - گردمانی

که دانشگاه ندارد! - بخواند "بازگشایی دانشگاه‌های دمکراتیک" را مطالعه کنند؟ کمیته هماهنگی، پاسخ این سوالات ما را در عمل داده است:

۱- کمیته هماهنگی، ساله دانشگاه‌ها را از زاویه منافع مستقل پرولتاریا مطرح نکرد. درک کمیته هماهنگی از اهداف رژیم از پورش و تعطیل دانشگاه‌ها، اهمیت دمکراسی در دانشگاه‌ها و... درکی مارکسیستی نیست.

۲- کمیته هماهنگی، با طرح "جبهه دانشجویی (انقلابی)"، درک پروپولیتسی خود را از مبارزه سیاسی و مبارزه برای دمکراسی آشکار می‌کند. کمیته هماهنگی، با قائل شدن وظیفه بازگشایی برای "جبهه دانشجویی..."، آنارشیست‌وار، پرولتاریا و سایر زحمتکشان را از مبارزه سیاسی در این عرصه محروم می‌کند.

۳- کمیته هماهنگی، در انجام راهپیمایی ۲۴ دی، با بسیج اعضاء و هواداران سازمانهای خود بجای بسیج سازماندهی نموده‌ها، درک آنارشیستی خود را از یک مبارزه دمکراتیک آشکار می‌کند. همه این‌ها سبب می‌شود که ما آکسیون ۲۴ دی و کمیته هماهنگی را، از زاویه وظایف کمونیست‌ها در قبال "بازگشایی" یک شکست تمام عیار بدانیم.

WWW.WORKERS-EDUCATION.COM

مبانی تاکتیکی پیکار:

گفتیم که آکسیون ۲۴ دی از نقطه نظر کمونیستی یک شکست کامل بود. اما اگر پیکار آنرا "موفقیت بزرگی" برای خود می‌دانند (پیکاره، معاهده رفیق روحانی) تنها می‌توان نتیجه گرفت پیکار هدفی متفاوت از کمونیست‌ها از این آکسیون داشته است! برای درک هدف پیکار، می‌باید مبانی تاکتیکی این آکسیون را نزد پیکار بررسی کنیم.

آکسیون ۲۴ دی، مبتنی و منطبق بر درک پیکار از وظایف

مونیست‌ها در شرایط کنونی است. بزعم پیکار شرایط کنونی دارای
و مولفه‌اند: ۱- اوجگیری بحران اقتصادی که "دورنمای خطر فلاکت"
اثرهای توده‌ها در بردارد؛ نارضایتی افزاینده توده‌ها در نتیجه عدم
و اناشی رژیم در حل بحران‌های اقتصادی - سیاسی. بوجه این ترتیب
جنبش توده‌ای [که] بر بستر این محرومیت‌ها و ستمگری‌ها برداشته
بود می‌افزاید. ۲- ناتوانی افزاینده حکومت در سرکوب انقلاب
به سبب شدت یافتن "تفادهای جناح‌های مختلف هیات حاکمه" پیکار
نتیجه می‌گیرد که "مجموعه شرایط فوق، بناگزیب و بصورتی جبری
جنبش را بوجه اعتلا بیشتر برده، توهم توده‌ها را فروریخته و بسی
اعتمادی آنها نسبت به رژیم را افزونتر خواهد نمود." (پیکار ۹۰،
در مقاله و همچنین نگاه کنید به ضمیمه ۹۰ و نیز پیکار ۹۱ صفحه ۲
ستون ۲).

این نقطه عزیمت پیکار، مبتنی است بر یک حکم آنارشستی عام
و یک حکم آنارشستی خاص. اول - فروریزی توهم و بی‌اعتمادی فزاینده
توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، مساویست با اعتلا ناگزیر
و جبری جنبش توده‌ها. این همان حکم آنارشستی عام است که حکومت
را دشمن می‌شمارد نه یک طبقه را. این حکم آنارشستی، بیش از یک
قرن قدمت دارد و نسبت به باکونین، پرودن و حتی اسلاف آنها می‌رسد،
بزعم آنارشست‌ها، مبارزه میان حکومت و توده‌های محروم جاریست
نه بین دو طبقه اصلی جامعه. بنا بر این کافیمت توهم توده‌ها نسبت
به حکومت موجود فروریزد، بروز نارضایتی توده‌ها نسبت به حکومت،
همواره انقلابی است! پیکار نمی‌تواند بفهمد که فروریزی توهم
"توده‌ها" نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، بطور مکانیکی و جبراً مبارزه
علیه آن از موضعی انقلابی را بدنبال نخواهد داشت. پیکار نمی‌تواند
بفهمد که "خلق" یا "توده" با آزاد شدن از قید ایدئولوژی حکومت
موجود، بطور اتوماتیک ایدئولوژی انقلابی تولید نمی‌کند (آیا تکرار
این بدیهیات لازم است؟) پیکار در کتاب‌ها می‌خواند اما از یک‌سایه
می‌برد که حتی طبقه کارگر نمی‌تواند با تجربه روزمره خود بسبب
ایدئولوژی پرولتری دست پیدا کند. پیکار به این ترتیب از پذیرش

نقش شاق "هنر آگاه"، عنصر آورنده ایدئولوژی طبقه کارگر، به طبقه کارگر، شانه خالی می‌کند. فروری توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، الزاماً معادل اعتلا انقلاب نیست. نگاهی بس به واقعیات جامعه ایران ما را بی‌شک از تفصیل ته‌ریکا این مطلب می‌کند. حکومت فعلی یعنی رژیم جمهوری اسلامی حکومت مطلوب غاشی بورژوازی نیست و یک اپوزیسیون امپریالیستی نیرومند، از خارج حکومت مرتباً رژیم جمهوری اسلامی را در زیر سوال داشته است. در چنین وضعی کاملاً امکان دارد که "توده‌ها" پس از بریدن از رژیم جمهوری اسلامی، به زیر پرچم این اپوزیسیون بروند. البته این کمونیست‌ها خواهند بود که در این میان نقش تعیین‌کننده خواهند داشت. و اگرچه کمونیست‌های ما خود به این نقش تعیین‌کننده واقف نباشند، بورژوازی در آن هیچ شکی ندارد! - چنانچه جنبش کمونیستی آلترناتیو انقلابی را در سطح جامعه ارائه نکند، یعنی چنانچه جنبش کمونیستی از نقد پرولتری - و فقط پرولتری - جامعه و رژیم موجود و فراخواندن تمام زحمتکشان بزرگ پرچم پرولتاریا بگذرد، آنگاه نه تنها راه را بر عروج اپوزیسیون امپریالیستی به قدرت نخواهد بست؛ بلکه یا مانع شده شدن انقلاب بی‌توده‌ها از رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد و یا باعث تسریع رانده شدن توده‌ها به زیر پرچم اپوزیسیون امپریالیستی خواهد گشت.

دوم - فلاکت ناشی از بحران افزایشده اقتصادی، و ماهیت سرکوبگر رژیم، یعنی "محرومیت‌ها و ستیگری‌هایی که بر توده‌ها می‌رود"، سبب افزودن دامنه جنبش توده‌ای خواهد گشت. این هم یک جنم آنارشیستی دیگر است، که گرچه با اندازه اولی قدمت دارد، ولی سالیانست که در لباس آنارشیسم وطنی (مشی چریکی) چنان رنگ ایرانی پیدا کرده که می‌باید آنرا یک حکم آنارشیستی خاص ایران محسوب کنیم. [رژیم] از طریق اعمال قهر ضد انقلابی بر عناصر مبارز فشار خود را بر همه طبقات و اقشار زیرسلطه افزایش

می‌دهد . باین ترتیب او به تفادهای این طبقات با خود شکرست
می‌بخشد و با ایجاد اتمسفری که ناگزیر از ایجاد است ، آگاهی
سیاسی توده را جهش‌وار به پیش می‌برد" (امیر پرویز پویسان ،
ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء) . " هر حرکت سرکوبگرانه
این رژیم چه در کردستان و ترکمن صحرا ، چه در کارخانه و روستا ،
و چه در مدرسه و دانشگاه گامی است در جهت تشدید مبارزه طبقاتی
و فراهم ساختن شرایط ایجاد جنگ داخلی " (سازمان پیکار ، اعلامیه
شماره ۱۵۵ ، بد تاریخ ۲۳ دی ماه ۵۹)

احتیاجی به تفصیل و تاکید نیست که این حکم آنا رشیستی ، که
دیکناتور و سرکوب‌بیشتر و بیشتر را ، سبب تشدید مبارزه طبقاتی
می‌داند درست نقطه بنیادین تئوری سوسیالیسم علمی است که از آگاهی
پیدایش مارکسیسم یعنی تأسیس کهرنیم ، به روشنی دگرگونی
را عامل تشدید مبارزه طبقاتی دانسته است و تجربه کلید انقلاب
بات آن را نائید نموده و تمام پراونیک انقلابیون مارکسیست
کبیری چون بلخایف (آنگاد که هنوز مارکسیست بود) ، نسیر و ...
همواره بر این حکم استوار بوده است ، بار گردیم به پیگ ر ...
چنین نقطه عطف آنا رشیستی ، پیکار طبقاتی و طایفه آنا رشیستی حوض
را استنتاج می‌کند: " طبقه پیکار " در مس چین شرایطی ، ارتقاء
مبارزات بوده‌ها ، حمله رسمی به چین بد آن ... است ...
۹۰ بر مقاله) ما هم با اس کار موافقیم ، اما آیا پیکار جنبه
مبارزات بوده‌ها را ارتقاء می‌دهد و به آن حمله رسمی می‌بخشد؟
آیا بد شیوه مارکسیست‌ها با مروج و تسخیر بوده‌ها بر اساس
برنامه کمونیستی ؟ آیا با جدت و تسخیر بوده‌ها سرپر مطالبات
پرولتاریا از این جامعه (معاد برنامه حداقل) ؟ و ...
و باز هم خیر ، جواب پیکار به روشنی قابل پیش بینی است :
" در چنین شرایطی برپا نمودن نظاهرات سراسری گسترده از سوی نیرو
های آگاه جامعه ، نقش موثری در ارتقاء مبارزات بوده‌ها ، جذب
آنان بسوی خود ، تشدید مبارزه طبقاتی و ایجاد نقطه اتکالی برای

توده‌ها و ... ایفا می‌کنند" (همانجا - تاکیده‌های یک خطی از پیکار است) بله! پیکار وفادار به اسلوب آنارشیستی، یکباره از "شرایط رو به اعتلای جنبش توده‌ها" تمام محتوا و مضمون این جنبش، و متقابلاً تمام محتوی و مضمون وظایف "نیروهای آگاه جامعه را درز می‌گیرد و به اشکالی (در واقع یک شکل) که فعالیت "نیروهای آگاه" می‌باید بخود گیرد می‌برد. درست به همان شیوه که مشی چریکی، از فرض دیکتاتوری خشن و همه جانبه شاه، یکباره به شکل "تبلیغ مسلحانه" می‌رسید، پیکار نیز شکل "تظاهرات" را کشف می‌کند. اما مگر شکل "تظاهرات" چه خاصیتی جادویی دارد که بسبب "ارتقاء مبارزات توده‌ها و خصلت تعرضی بخشیدن به آن" منجر به ... می‌شود؟ پیکار پاسخ می‌دهد: "این فعالیت‌ها از جانب نیروهای کمونیست در شکستن جو خفقان و اوجگیری بازم بیشتر مبارزات [توده‌ها] نقش بسیار مهمی می‌تواند بازی کند". (همان جا) دور نیست روزگاری که هویان می‌گفت: "[کارگران] نیروی دشمن خود را مطلق و ناتوانی خود را برای رهایی از سلطه دشمن نیز مطلق می‌پندارد" (رد تئوری بقاء و ...). و چاره شکستن این دو مطلق معروف را - که در واقع دوروی سکه یک مطلق‌اند - این می‌دید که بسا تبلیغ مسلحانه "... تصور او [کارگران] را از ناتوانی مطلقش در نابودی دشمن درهم شکنیم. قدرت انقلابی [مبارزه مسلحانه چریک‌نهری] در خدمت این امر قرار می‌گیرد. اعمال این قدرت علاوه بر سرشت تبلیغی خود با تبلیغ مجزای سیاسی در مقیاس وسیع همراه می‌شود. پرولتاریا را بوجود منبئی از نیرو که متعلق به خود اوست آگاه می‌سازد. نخست درمی‌یابد که دشمن ضربه‌پذیر است و می‌بیند نسیم تندی که وزیدن گرفتند ..." (هویان، همان جا). رفیق حسین روحانی عضو کار در رهبری سازمان پیکار در محاسبه با پیکار (شماره ۹۰) می‌گوید: "در چنین شرایطی، کمونیست‌ها وظیفه دارند تعرض و کوشش خود را بسرای ایجاد حزب طبقه کارگر و کسب قدرت سیاسی در این مرحله [؟!]. صد چندان کنند و برخلاف دوران رکود که دوران عقب‌نشینی منظم است،

پیشروی خود را شروع کرده و حملات و سرکوب دشمن را تحفیر و جـ
خفقان کنونی را بشکنند اما چگونه ؟ رفیق روحانی بلافاصله
میگوید "راهپیمایی و تظاهرات ۲۳ دی ، نمونه‌ای از این قبیسر
است " . آری ، وقتی دیکناتور خشن و همد جانبه شاه ، جای خود
را به حکومت بی عرضه جمهوری اسلامی می‌دهد ؛ "قدرت‌آش" چریک
نیز بسادگی تبدیل به قدرت جادویی "تظاهرات" می‌گردد. و همانگونه
که یک عملیات نظامی شکست خورده همچنان ارزش تبلیغی خود را برای
چریک می‌داشت . "تظاهرات و راهپیمایی ۲۳ دی " نیز از جمله
موفقیت‌های بزرگ پیکار است . رفیق روحانی نیز ، همچون پیک
یک چریک خوب ، "ترس و وحشت رژیم جمهوری اسلامی و بدست و دست
افتادن ارگانهای تبلیغاتی و سرکوب آن " را دال بر پیسروزی
عملیات و تظاهرات می‌داند و اعلام می‌دارد که "تیر ما به هدف
اما بت‌کرده است " ! (همان مصاحبه)

تظاهرات و بازهم تظاهرات ! اینست تمام توشه پیکار و
استقبال از "جنبش رو به اعتلا" توده‌ها " . پیکار هیچ چیز را جمع
به محتوی و مضمون "جنبش توده‌ها" اهداف آن ، شرایط تحقق آن ،
نیروهای قادر به مبارزه در راه آن ها نمی‌داند و اصولا ایسسر
مسائل برای پیکار مهم نیست ، زیرا معتقد است که "ما بسوی تشدید
مبارزه طبقاتی و جنگ داخلی یعنی جنگ میان پرولتاریا و سانسر
توده‌ها از بکسو و بورژوازی و امپریالیستها و کلیه مرنجیبین
از سوی دیگر پیش می‌رویم " . (ضمیمه ۹۵) اثبات این مدعا نیز
از نظر پیکار اینست که "مبارزات پراکنده لیکن گسترده کارگران
آوارگان جنگ ، و دانش‌آموزان و سایر توده‌های مردم در سراسر
ایران گواه فروریزی توده‌بخشهای وسیعی از توده‌هاست " . (پیک
۹۵) بنا براین پیکار تنها می‌بید که "بخشهای مختلف جنبش" رو
به اعتلا هستند و از آنجا که قصد دارد "تا این دورنمای
شکوهمند و انقلابی [جنگ داخلی] هرچه سریعتر تحقق یابد"
(ضمیمه ۹۵) ، تاکتیک خود را چنین قرار می‌دهد که "با اتکاء
به تاکتیک‌های انقلابی متناسب با دوران اعتلا [دیدیم که منظور

پیکار از "تاکتیک" اشدالی چون "نظا هرات" است [جنبشهای سیاسی و اعتراضی را برپا نموده و زمینه‌های بوجود [آورد] آنها در بستر آن بخشهای مختلف جنبش بر روی یکدیگر تاثير انقلابی گذاشته و بر عمق و، سطح و ابعاد یکدیگر میافزایند" (ضمیمه ۹۰ تاکتیکهای یک خطی از پیکار است) .

پیکار ، منطبق بر احکام آنارشیستی خویش ، "بخشهای مختلف جنبش" یعنی فروریزی توهم گروه‌های مردم و مقابله آنها با حکومت را می‌بیند . پیکار چون از مارکسیسم بدور است و قادر نیست محتوای یکپارچگان این "بخشهای مختلف جنبش" را درک کند، چاره کار را در این می‌بیند که هر از گاهی در یکی از این جنبش‌ها "شرکست کند و از این طریق بر جنبش‌های دیگر تاثير انقلابی بگذارد ! از قدیم گفته‌اند آسباب به نوبت ! "می‌بایست با تکیه بر حلقه اصلی و محوری تاکتیک که در هر مقطعی می‌تواند عوض شود، جنبش را هدایت آورده حول آن به تبلیغ و ترویج پرداخت و سپس توده‌ها را بسیج و سازماندهی نمود" و برای اینکه هیچ ابهامی پیش نیاید که منظورشان از حلقه‌های اصلی همان "بخش‌های مختلف جنبش" اند، بلافاصله می‌افزاید : "۲۳ دی ، روز بازگشایی دانشگاهها ، دقیقاً دارای چنین نقشی بود . چه توده‌های آگاه ، بویژه دانشجویان انقلابی به تعطیلی دانشگاه شدیداً اعتراض داشته ... " (پیکار ۹۰ تاکتیکهای یک خطی از پیکار) و حال می‌فهمیم که چرا پیکار "مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها را به ساله محوری در طول هفته‌گفته بدل ساخته بود .

مارکسیست‌ها که بعنوان نمایندگان آگاه پرولتاریا ، هدف نهایی خود را کسب قدرت سیاسی ، برقراری دیکتاتور پرولتاریا و نابود کردن روابط سرمایه‌داری قرار می‌دهند ؛ از کلیه جنبش‌های انقلابی علیه نظام موجود حمایت می‌کنند و آنها را در جهت منافع پرولتاریا بکار می‌گیرند . اما مارکسیست‌ها ، برخلاف آنارشیست‌ها ، از آنجا که مبارزات سیاسی را نه مقابله "توده" و "حکومت" بلکه

بعنوان بازتاب تفاد بنیادین طبقات اعلی جامعه یعنی بورژوازی و پرولتاریا تبیین می‌کنند، قادر به شناخت محتوای "جنبش‌های مختلف" طبقات و اقشار اجتماعی، اهدافی که پیروزی این جنبش را تأمین می‌کند و شرایطی که این اهداف را متحقق می‌کنند می‌باشند. مثلا مارکسیست‌ها، برخلاف آنارشیست‌ها، قادر به تشخیص این نکته هستند که در ایران تحت سلطه محتوای یکسان پیروزی "جنبش‌های مختلف" طبقات و اقشار مختلف (معلمان، دهقانان، دانش‌آموزان زنان،...) از لحاظ سیاسی معادل نفی دیکتاتوری امپریالیستی و دموکراتیزه کردن حیات سیاسی کشور، و از نظر اقتصادی معادل نفی عملی الزامات استثمار امپریالیستی (تولید فوق سود) می‌باشد. بهمین منوال مارکسیست‌ها، مطالبات پرولتاریا را برای خود و سایر زحمتکشان از جامعه فعلی در یک برنامه حداقل ارائه می‌دهند و این برنامه پرچمی است که از یکسو قادر است "بخش‌های مختلف جنبش" را در یک مبارزه بی‌امان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک متحد کند، و از سوی دیگر، تنها راه پیروزی "بخش‌های مختلف جنبش" گرد آمدن و یکپارچه شدن تحت لوای آنست.

هدف ما در اینجا ریشه‌یابی انحرافات تاکتیکی پیکار ناسا عمق انحرافات برنامه‌های نیست. همینقدر اشاره کنیم که پیکار، با کم اهمیت دادن به بحث‌های مربوط به "ساخت جامعه" و درک نکردن رابطه اقتصاد و سیاست و به این اعتبار درک نکردن مکان تحلیل زیربنایی، قادر به درک رابطه سوسیالیسم و دموکراسی این اصل پایه‌ای برنامه‌های نخواهد گشت.

موضع تاکتیکی پیکار، نمونه بسیار درخشانی از التقاط آنارشیستی است.

بازگردیم به آکسیون ۲۳ دی. اکنون پس از بررسی مبانی تاکتیکی پیکار، بر ما آشکار می‌شود که پیکار حق داشته است از نقطه نظر اهداف تاکتیکی آنارشیستی خود، این آکسیون را "موفقیت عظیمی" برای خود بشمار آورد. پیکار خود دو مولفه این پیروزی

را برمی‌شمارد : یکی اینکه "راهپیمایی" دانشجویان هوا دار پیکار و دیگران علیرغم "تهدیدات ، تمهیدات ، و سرکوب دشمن ... تحقیر هرگونه تهدید و سرکوب دشمن را به اثبات رسانند" (معاهده رفیق روحانی) و دیگر اینکه "... رژیم با درک چنین واقعیتی بیش از پیش خود را برای مقابله با جنبش انقلابی آماده خواهد ساخت" (سرمقاله ۹۰) یعنی از یکسو پیکار بزعم خود موفق به واداشتن رژیم بسبب اعمال سرکوب بیشتر (از شروط اعتلای جنبش توده‌ها !) شده ، و از سوی دیگر نیروی آگاه پیکار ، موفق به تحقیر دشمن و شکستن جو خفقان گشته است ! ظاهراً این از موارد نادری است که دیالکتیک آفتاب پرودن در واقعیت صدق نموده است .

اما وظیفه کمونیست‌ها در رابطه با "بازگشایی دانشگاه‌های دمکراتیک" نه یک "تعرض آنارشستی" برای تهدید سرکوب و تحقیر دشمن ، بلکه بسیج ، سازماندهی و رهبری یک "تعرض توده‌ای" برای کسب دستاوردی دمکراتیک ، و در طول این بسیج و سازماندهی ، تربیت توده‌ها برای مبارزه بی‌امان دمکراتیک است .

بنابراین وظیفه عاجل ما در رابطه با "بازگشایی ... تهیج گسترده توده‌ای ، با مضمون نشان دادن اهمیت و مکان "دانشگاه‌های دموکراتیک" در مبارزه طبقاتی ، و جلب حمایت توده‌ها از این خواست است . تنها پس از چنین دوران تدارکی است که قادر خواهیم بود تعرض توده‌ای را به این منظور آغاز نمائیم و تنها آنگاه خواهیم توانست اپورتونیست‌ها و لیبرال‌هایی را که در لباس انقلابیگری ، به بهانه آماده نبودن شرایط و ... مانع پیشرفت مبارزات کارگران و زحمتکشان گشته‌اند نزد توده‌ها افشاء و از اردوگاه انقلاب طسرد نمائیم .

کارگران جرهبان متحد شوید!

www.KetabFarsi.com

تکثیر از: دانشجویان هوادار اتحاد مبارزان کمونیست در آلمان فدرال و برلن غربی